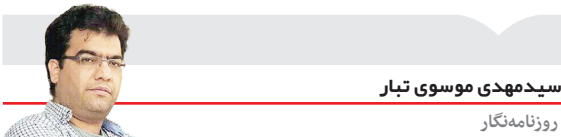


بررسی ساختار و عملکرد شبکه‌های فارسی‌زبان

مستغلات ملک و ملکه



سید مهدی موسوی تبار

روزنامه‌نگار

برای اولین بار نیست که یک سند یا مدرک یا فایل صوتی در رسانه‌های دیگر فاش و منتشر می‌شود. میدا و مقصد این رسانه‌ها هم در طول تاریخ متغیر بوده است. اما حکایت برخی از رسانه‌های خارج نشین عجیب و متفاوت است. اخیرا بخش هایی از فایل صوتی محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان در شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال منتشر شده و سروصدای زیادی به پا کرده است. گمانه‌زنی‌های زیادی درباره نحوه چگونگی دسترسی آن شبکه به این فایل صوتی می‌شود که شاید در روزهای آینده از این ابهامات کاسته شود. اما نکته مهم نحوه عملکرد و شکل ساختاری رسانه‌هایی مانند ایران اینترنشنال در استفاده از منابع خبری داخلی و حتی فراتر از آن جایگاهشان در پازل رسانه‌ای جهان امروز است. برخلاف ادعای شفافیت شبکه‌هایی مانند بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا و ایران اینترنشنال، هیچ صراحتی در منابع مالی و حامیان آنها دیده نمی‌شود و جالب اینکه بسیاری از کارشناسان و نخبگان بین‌المللی به دلیل همین عدم شفافیت با شبکه‌ای مانند ایران اینترنشنال گفت‌وگو هم نکردند. رسانه‌ها در روزگار کنونی نقش پررنگ‌تر از قبلی را بازی می‌کنند و به‌عنوان نمونه و در ماجرای کرونا جایگاه رسانه‌ها در کنترل افکار عمومی و ایجاد امنیت روانی جامعه‌شان آشکار شد و از آن سو نیز حواس‌شان به مهندسی اذهان عمومی درباره عملکرد کشور‌های رقیب‌شان بود. در این گزارش نگاهی داریم به عملکرد، ساختار اداری و منابع مالی شبکه‌های تلویزیونی «بی‌بی‌سی فارسی»، «ایران اینترنشنال» و «صدای آمریکا» و همچنین نحوه ارتباطات‌شان با نیروهای داخل ایران و حمایت مالی و رسانه‌ای از آنها. حمایتی که البته پس از شناسایی دیگر مثل گذشته نیست.

ایران اینترنشنال

رسانه‌ای که این روزها به دلیل انتشار فایل صوتی ظریف، دوباره سر زبان‌ها افتاده جوان‌ترین رسانه لندن نشین است و عمرش به ۵۰ سال هم نرسیده است. این شبکه از ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۶ یعنی چهار روز قبل از دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران، پخش برنامه‌های خود را به صورت زنده شروع کرد و برای تأمین نیروی انسانی هم به‌واسطه دستمزدهای بالا، سراغ برخی از نیروهای شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان نظیر «من و تو» و «بی‌بی‌سی فارسی» رفت. جالب اینکه در راستای کادرسازی خودش برخی از عوامل صداوسیما ایران را جذب کرد و با تکیه بر صرف پول‌های کلان، به سرعت جای خودش را بین رسانه‌های مقابل ایران باز کرد. دفتر اصلی این شبکه در لندن است و اگر می‌خواهید بدانید چه کسانی آن را اداره می‌کنند باید بدانید سردبیری و مدیریت اجرایی خبر و امور جاری ایران اینترنشنال برعهده علی اصغر رمضان پور، معاون فرهنگی وزارت ارشاد در دولت اصلاحات است.

همچنین به‌جز صادق صبا و نوشابه امیری که در این شبکه ماهواره‌ای حضور دارند، حسین رسام، سردبیر و مدیر اجرایی برنامه‌های غیرخبری و محمدمنظر پور دبیر خبر آمریکای شمالی این مجموعه هستند. رمضان پور در گفت‌وگویی عنوان کرده بود که ریاست تلویزیون ایران اینترنشنال برعهده «راب بینون» است که به همراه گروهی از موسسه دی‌ام‌ای مدیا (DMAMedia)، مسئول راه‌اندازی این تلویزیون بوده‌اند. سیدعطاءالله مهاجرانی، وزیر ارشاد دوره اصلاحات در ماه‌های ابتدایی فعالیت این شبکه در توثیقی نوشت: «دوستی پرسید، تلویزیون ایران

اینترنشنال دعوت کرده مصاحبه کنم، نظرت؟ گفتم نکن! این رسانه وجه پنهان ضدایرانی دارد و پدر خوانده اش عبدالرحمان راشد است،» رابطه این شبکه با سعودی‌هایس از گذشت چهار سال دیگر آشکار شده اما تقریباً سه سال پیش بود که روزنامه «گاردین» نوشت: «یک منبع آگاه که در گذشته با محمدبن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی همکاری داشته، عنوان کرد که بودجه ایران اینترنشنال از دربار سلطنتی سعودی تأمین می‌شود که در حدود ۲۵۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شود و ادامه داده بود که در قیاس با شبکه‌های بی‌بی‌سی فارسی و من و تو دستمزد مناسبی پرداخت می‌کند.» این افشاگری را بگذارد کنار صحبت‌های رمضان پور قبل از افتتاح رسمی ایران اینترنشنال. او گفته بود: «ما یک رسانه متعلق به بخش خصوصی هستیم. الان عمده رسانه‌های فارسی‌زبانی که در خارج از ایران فعالیت کرده و برای فارسی‌زبانان اقدام به پخش برنامه می‌کنند رسانه‌هایی هستند که به یکی از دولت‌ها و حکومت‌های خارجی وابسته هستند. ایران اینترنشنال نیز ما این گونه نیست و به بخش خصوصی تعلق دارد.» و این بخش خصوصی آنقدر منفور است که برخی از کارکنان این شبکه از همکاری با آن انصراف دهند. نگار مرتضوی، خبرنگار ایرانی-آمریکایی و گزارشگر سابق تلویزیون ایران اینترنشنال در توثیقی نوشته بود: «عربستان سعودی بسیار سیستماتیک و پیگیر در حال جهت‌دهی جدید به رسانه‌هاست. سعودی به دنبال نفوذ و اعتبار است و برای تحقق این خواسته‌های زیادی پرداخت می‌کند.» محمدسهیمی یکی از فعالان سیاسی اپوزیسیون نیز درباره منابع مالی این شبکه

گفته بود: «من با پول گرفتن از هر دولت خارجی برای فعالیت‌های سیاسی مخالف هستم ولی اگر به‌عنوان مثال، سوئد یا سوئیس چنین بودجه‌ای را تأمین می‌کرد، دست کم به خاطر کارنامه بسیار مثبت آنها قابل قبول‌تر بود. ولی عربستان؟ پدر پول پسوزد که برای به دست آوردن آن برخی حتی دست خود را به طرف دشمنان قسم خورده ایران دراز می‌کنند.»

ایران اینترنشنال به‌جز افشای فایل صوتی ظریف، سابقه پوشش زنده گردهمایی سازمان منافقین در سال‌های ۹۷ و ۹۹ را دارد. مهدی جامی، روزنامه‌نگاری بود که از وجود اختلاف‌های درونی درباره پوشش خبری این برنامه در این شبکه خبر داد و عجیب نیست که این کارش منجر به قطع همکاری اش با آن شبکه شد. یکی دیگر از کارمندان این شبکه هم این پوشش خبری را شاهی بر تأثیرگذاری سرمایه‌گذاران بر محتوای برنامه‌های شبکه دانست و البته که او هم عاقبت خوشی نداشت. این کار ایران اینترنشنال در افزایش تنفر مخاطبان از خودش بسیار موثر بود و یک خودکشی برای یک رسانه نوپا بود.

این تنفر در ۳۱ شهریور ۹۷ به اوج خودش رسید و صدای همه را درآورد. صبح روزی که چند مسلح، حاضرین مراسم رژه نیروهای مسلح در اهواز اعم از زن و کودک را به رگبار بستند. مسئولیت این حادثه تروریستی را که در جریان آن تعدادی از هموطنان مان به شهادت رسیدند، ابتدا جریان «الاحوازیه» و سپس گروهک تروریستی داعش برعهده گرفتند. شبکه ایران اینترنشنال بلافاصله بعد از فاجعه تروریستی اهواز به اعضای گروهک تروریستی الاحوازیه زنگ زد و این چنین



گفت: «در ارتباط تلفنی با یعقوب حرالتستری، سخنگوی جنبش الاحواز هستیم. آقای حر خیلی خوش آمدید به برنامه!» اتفاقی که در هیچ رسانه دیگری سابقه نداشت و خشم و انزجار از این شبکه و مدیرانش را به بالاترین حد ممکن رساند. وجهه دیگری از عملکرد ایران اینترنشنال در همکاری با برخی از خبرنگاران داخلی است. یکی از کارشناسان مشهور حوزه رسانه که تمایل به افشای نامش نداشت از ارتباط عمیق و تنگاتنگ خبرنگاران اینترنشنال با برخی خبرنگاران داخلی خبر داد و شاهد مثال آن را به جز انتشار برخی اخبار خاص، نوع مکالمه و جنس رابطه صمیمی در کلاب‌هاوس می‌دانست.

بخش فارسی صدای آمریکا



یکی از توجه تمایز بخش فارسی صدای آمریکا با رسانه‌های دیگر فارسی زبان مانند بی‌بی‌سی و ایران اینترنشنال در تعداد محدود و نحوه گزینش افراد است. معمولاً تحریریه‌های کوچک و جمع‌وجور و سنتی‌تر است و قدیمی‌هایشان اجازه فعالیت و مانور به نیروهای تازه‌تر را نمی‌دهند. این شبکه هم پس از سال ۸۸ میزبان تعدادی از روزنامه‌نگاران، هنرمندان و مجریان داخلی شد و البته پس از مدتی هر کدام از آنها جذب رسانه‌های دیگر شدند. هوک درباره وضعیت خبرنگاران و کارمندان صدای آمریکا گفته است: «سوءمدیریت گسترده‌ای در این سازمان وجود دارد. VOA فارسی نتوانسته محیط کار و پروسه کاری شفاف ایجاد کند و این مساله برای دهه‌ها ادامه داشته است. گزارشی که سال ۲۰۰۹ توسط دولت اوپاما تهیه‌شد نشان می‌داد کارمندان بخش فارسی شبکه صدای آمریکا بالاترین میزان نارضایتی را از کار خود داشته‌اند و بارها درباره پارتی‌بازی و دخالت دادن برخی تعصبات در استخدام‌ها شکایت کرده بودند. این گزارش برای شرایط امروز صدای آمریکا نیز صادق است؛ چراکه از سال ۲۰۰۹ تاکنون این شکایت‌ها و نگرانی‌ها در محل کار به دلیل رفتار غیراخلاقی و نادرست همچنان ادامه داشته است.» آش آنقدر شور شده که صدای همه در آمده است. راستی آخرین باری که صدای آمریکا برنامه مهمی را پخش کرده کی بوده است؟

بی‌بی‌سی فارسی



یکی دیگر از رسانه‌های فارسی‌زبان که چندماه قبل از انتخابات سال ۸۸ و در دی‌ماه ۸۷ راه‌اندازی شد. بودجه این شبکه تلویزیونی در سال ۲۰۱۴ به گفته رئیس سابق بخش فارسی بی‌بی‌سی، برابر با ۱۵ میلیون پوند در سال بوده است که توسط وزارت امور خارجه بریتانیا پرداخت شده و در سال ۲۰۱۶، میانگین حقوق سالانه کارمندان شبکه جهانی بی‌بی‌سی ۴۳ هزار پوند بوده است. علی عسکری، رئیس سازمان صداوسیما در سال ۹۷ و در اعتراض به بودجه سازمان تحت مدیریتش، مقایسه‌ای بین بودجه صداوسیما با شبکه فارسی بی‌بی‌سی انجام داده بود و گفته بود: «حدود ۶ هزار میلیارد تومان تنها هزینه اداره شبکه بی‌بی‌سی فارسی‌زبان می‌شود و باید پرسید چرا باید برای یک شبکه در انگلستان این گونه هزینه شود و یک سازمان بزرگ با ۱۴۵ شبکه در شرایط بسیار سختی اداره شود.»

بی‌بی‌سی فارسی به نوعی دارای بودجه‌ای مستقل است که از طریق مالیات مردم انگلیس و بودجه ویژه حکومت پادشاهی این کشور تأمین می‌شود و این بودجه‌بندی و نوع مدیریت بی‌بی‌سی فارسی نشان می‌دهد که این شبکه تنها یک شبکه اطلاع‌رسانی و خبری نیست بلکه برای اهدافی فراتر از یک شبکه اطلاع‌رسانی سازماندهی شده است. اما جالب است بدانید که فرح پهلوی نیز در بازدیدی که از بی‌بی‌سی فارسی داشته، ۵۰۰ هزار دلار به این شبکه داده و اشراف پهلوی نیز سود یکی از سپرده‌های مالی هنگفت خود را به بی‌بی‌سی اختصاص داده است.

جالب است بدانید تقریباً ۱۰ سال قبل وبه دنبال بحران مالی و کسری بودجه دولت انگلیس که ضرورت کاهش هزینه‌ها را مطرح ساخت، موضوع کاهش بودجه بی‌بی‌سی و تعداد خبرنگاران آن مطرح شد اما با کمال تعجب، به‌خاطر نوع مأموریتی که بی‌بی‌سی فارسی در قبال مسائل ایران و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران داشت و دارد، نه تنها بودجه و تعداد نفرت آن در آن سال کاهش نیافت بلکه به‌شدت بر بودجه، تنوع برنامه‌ها، تعداد خبرنگاران، تعداد کارشناسان طرف‌مصابحه و همکاری با بخش فارسی و همچنین تعداد قراردادهای تولید فیلم و گزارش افزوده شد.

بی‌بی‌سی فارسی به واسطه همکاری با برخی روزنامه‌نگاران و خبرنگاران